

## دوره پنجم

## دوار کیفیت بیان

فقه

□ محمد ابراهیم جناتی

این دوره از زمان شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه.ق) شروع می‌شود و تا زمان میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی (قدس سرهما، یعنی حدود ۴۰ سال ادامه می‌یابد. در این مرحله مسائل فقهی و احکام دینی در ضمن پرسش و پاسخ و حاشیه‌نویسی، بر رساله‌های پیشین انجام گرفته است. در اینجا لازم است قبل از ورود به اصل مطلب، چند مسأله را به طور فشرده درباره حاشیه و حاشیه‌نویسی بازگو کنیم:

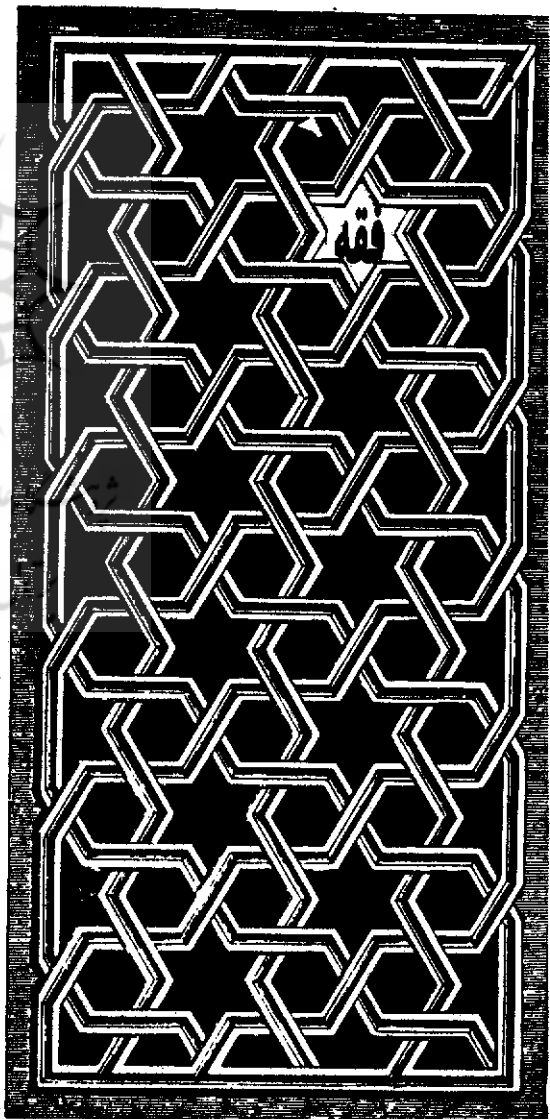
۱- حاشیه در لغت به معنای لایه قبا و امثال آن است، یعنی چیزی که میان آستر و پارچه روپین بگامی رود. حاشیه در عرف عام به معنای زیادی، و در عرف خاص به معنای طرف است.

۲- حاشیه به مطالبی می‌گویند که در اطراف کتاب نوشته شود، خواه به عنوان شرح و توضیح متن باشد و خواه به عنوان تکمیل یا استدلال بر صحت مطالب کتاب.

۳- مراد از حاشیه بر رساله‌های عملیه این است که محشی حکمی خلاف استنباط نویسنده کتاب را در حاشیه آن قرار دهد و با علامتی مخصوص، مشخص کند. پس از انضمام حواشی به متن، کتاب مجموعاً به صورت تالیفی جدید در خواهد آمد که محشی، مؤلف آن است، زیرا برخی از مطالب آن را ابداع و ابتکار و بعضی را به امضاء خود رسانیده و تصویب کرده است.

۴- در واقع تفاوتی میان تعلیقه و حاشیه نیست، و اینکه گفته شده تعلیقه اختصاص به علوم عقلیه دارد و حاشیه به غیر آن، بر این اساس است که فلاسفه نمی‌خواستند اضافات خود را حاشیه بنامند، زیرا از آن معنای حق و زائده فهمیده می‌شد.

۵- علم، همواره در قوس صعود است و نویسندگان پیوسته می‌توانند با ابتکارات جدید و افکار تازه خود آراء و نظرات نوینی ارائه داده و آن را در ضمن کتابهای خود ابراز کنند. تا زمانی که چنین شیوه‌های چریبان داشته باشد، هیچگاه کسی به فکر حاشیه‌نویسی بر کتابهای دیگران نخواهد بود، ولی گاهی بر اثر شرایط خاص زمان، وقفه و رکودی در پیشرفت علم حاصل می‌شود و اینجاست که مجال برای حاشیه‌نویسی پدید می‌آید. این زمان نوعاً خیلی متأخر از زمان کتابت متن علم است، و اینکه گفتند هر وقت کتابی نوشته شود حاشیه نیز وجود پیدا می‌کند، نظر به لازمه عقلی آن است نه لازمه وجودی آن، زیرا چه بسا کتابهایی نوشته شده که تا سالها بعد حاشیه‌های بر آن مشاهده نشده است، مثلاً کتاب نه‌ایه شیخ طوسی را سالها بعد، محقق حلی حاشیه زد و آنرا «نکت‌النه‌ایه» نامید. و بر «قواعد» و «مختلف» علامه پس از چندین سال ایقانه و وحید بهبهانی و



آیه الله میرمحمد باقر حسینی و غیر اینها از فقهاء دیگر حاشیه نوشتند.

در طلیمه این دوره شیخ انصاری بود که رساله مستقلی نوشت و هرچه مقلدین به او فشار می آوردند که رساله‌ای تنظیم کند نمی پذیرفت. شیخ تنها به حاشیه نویسی بر سه رساله پیش از خود اکتفا کرد که عبارت بود از: رساله بغیة الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء رساله نجات العباد صاحب جواهر (که این دو به زبان عربی نوشته شده) و رساله نخبه کلباسی اصفهانی (که متن و حاشیه هر دو به زبان فارسی بود). تنها رساله عملیه‌ای که از شیخ منتشر شده رساله عملیه بسیار مختصری در خصوص باب عبادات می باشد که به سال ۱۲۶۹ نگاشته شده است. ولی این رساله بسبب رساله‌های متداول و معمولی نبوده، زیرا در آن به بیان احکام ضروری باب عبادات اکتفا شده است.

### ■ نظری به رساله‌های شیخ اعظم

● شیخ رساله‌ای دارد که با عنوان «کتاب مسأله» مشهور است. این کتاب را خود شیخ نوشته، بلکه گردآوری مسائل و استفتائات مختلفی است که از داخل و خارج، از محضر او پرسیدند، و بنابه تقاضای عدای از مقلدین، فردی (که شاید مسئول استفتائات وی بوده است) آنها را گردآورده و بدان ترتیب و تنظیم داده و به عنوان رساله عملیه در اختیار عموم نهاده است. و از آنجا که هر استفتائی را در ضمن یک مسأله بیان کرده بنام کتاب مسأله مشهور شده است. و چون در طی این سؤال و جوابها فروع گوناگونی گشوده می شود که شاید در رساله‌های عملیه به چشم نخورد، تاکنون نیز این امر تداوم یافته که مسئول استفتائات یک

مرجع تقلید هراز چندی پس از گردآوری تعدادی از این مسائل و تنظیم و تبویب، آنها را به چاپ می رساند و در دسترس عموم مقلدین قرار می دهد.

این رساله شیخ بسیار جالب و مشتمل بر همه ابواب عبادات و معاملات و حدود می باشد و میرزای شیرازی متوفی (۱۳۱۲ ق) و شهید، شیخ فضل الله نوری (۱۳۲۷ ق) بر آن حاشیه دارند.

● شیخ رساله‌ای به عنوان «ذخیره المعاد» دارد که از باب طهارت تا اعتکاف را دربر گرفته است، لیکن شیخ آنرا به عنوان رساله عملیه ننوشته است، بلکه همان پرسش و پاسخهایی است که توسط مولی شیخ علی شوشتری جمع آوری شده، و در قالب ۱۵۰۰ بیت شعر انتشار یافته و نسخهای از آن رساله در کتابخانه سامراء موجود است.

● همچنین است رساله «صراط النجاة» شیخ، مجموعه استفتائات گوناگونی که از ایشان به عمل آمده و شیخ محمدعلی یزدی با توجه به آشنائی اش به فتاوی و آراء شیخ

اعظم آنها را جمع آوری نموده است.

این رساله مورد توجه فقها و علما قرار گرفت، و پس ترجمه آن به عربی از سوی میرزای مجدد شیرازی و حبیب الله رشتی و شیخ محمد طه نجف بر آن حاشیه‌ها نوشته شد. (۱) و نسخهای از این رساله در کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف موجود است.

● شیخ رساله دیگری به عنوان سرورالعباد دارد لیکن شیخ آن را به عنوان رساله عملیه ننوشته بلکه همان پرسش پاسخهایی است که توسط حاج محمدعلی یزدی جمع آورده شد و در سال (۱۲۷۱ ق) در زمان خودش و در بمبئی به سه (۱۳۰۲) باحواشی میرزای شیرازی چاپ شده همچنین است رساله عربی سراج العباد شیخ که بر آن میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد طه نجف حاشیه دارند.

● مناسک حج فارسی شیخ، رساله‌ای است مستتک در باب اعمال حج و عمره، ولیکن در هـ

مسأله‌های از آن فتوای شیخ بیان نشده، بلکه همه مسائلی مطابق با احتیاط آمده است. وی در مقدمه‌ای بر آن نوشته است که: من این رساله را به این سبک تنظیم کردم، تا در این زمان و چه پس از آن نیازی به مناسک دیگر نباشد این رساله از ویژگی و درخشندگی خاصی در میان رساله‌ها برخوردار شد، و جایگاه بلندی در میان مناسک به خود اختصاص داد، و از زمان تألیف تاکنون همواره مورد توجه و عنایت فقها و مراجع تقلید بوده است. در بسا اهمیت این رساله همین بس است که مراجع بزرگی بر آن حاشیه نوشته‌اند که از جمله عبارتند از:

میرزای بزرگ شیرازی، آخوند خراسانی، سید یزدی سید اسماعیل صدر، میرزای نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، بروجردی، سیداحمد خوانساری، شیخ محمد مهدی بیگلری، شیخ محمد علی معزی، شیخ منصور سبط الشیخ دزفولی.

این مناسک در سال (۱۳۰۱ ق) با حاشیه میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ ق)، و در سال ۱۳۲۱، با حواشی میرزا حسین تهرانی (م ۱۳۲۶ ق) و آقا نجفی (م ۱۳۳۲ ق) و سید کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ق) و سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۷ ق) و در سال ۱۳۳۲ در تهران باحواشی میرزای مجدد شیرازی و میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی و در سال ۱۳۵۶ در عظیم آباد هند و نجف اشرف باحواشی میرزای شیرازی و در سال ۱۳۸۱. در تهران با حواشی سیداحمد خوانساری چاپ شد.

این رساله توسط بعضی از فضلا به عربی ترجمه شده و به سال ۱۳۰۱ با حواشی میرزای شیرازی در چاپخانه

● بغیة الطالب را ابتدا مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء، فرزند مؤلف حاشیه زده بود، و سپس مرحوم شیخ بر حاشیه استادش شیخ علی حاشیه نوشت.

ح صادق عظیم‌آباد هند به چاپ رسیده است. (۲)  
 ظاهراً رساله مزبور نخستین مناسک حج به زبان  
 فارسی است و به هـ هـ هـ هـ هـ هـ  
 ت زیر بنا و محور اصلی همه رساله‌های مناسک بعد از  
 خ است، زیرا دیگران تنها با تغییرات و اضافاتی در آن،  
 اله خود را تنظیم کرده و در دسترس مقلدین قرار  
 یابند.

۳ رساله صیغ‌العقود، این رساله را شیخ بعنوان رساله  
 لیه ننوشته بلکه همان پرسش و پاسخی است که توسط  
 ی محمد یوسف استرآبادی جمع‌آوری شده و در تهران  
 سالهای ۱۲۷۰، ۱۲۷۲ و ۱۳۲۳ چاپ شد.

### چند مطلب پیرامون شیخ اعظم انصاری

پیش از زمان شیخ، مرجع تقلید عامی به معنای کنونی  
 ود نداشت، بلکه مردم در هر شهر و دیاری به عالم و  
 تهت منطقه خود رجوع می‌کردند و مسائل فقهی و  
 الف شرعی خود را از او فرا می‌گرفتند. با ظهور شیخ  
 ساری مرجعیت به صورت فعلی بروز کرد.

- پیش از زمان شیخ، غالباً جواب سوالات شرعی مردم به  
 ورت فتوی بیان نمی‌شد، بلکه فقیه سعی داشت که جواب  
 ، را مطابق با احتیاط بیان کند. به همین دلیل عبادات  
 دم اکثراً مطابق با احتیاط صورت می‌پذیرفت، این مطلب  
 نی در زمان ما نیز تأثیر گذاشته است، لذا می‌بینیم که  
 از درست از نظر مردم نمازی است که دارای طمأ نینه  
 شد، یا ذکر سبحان ربی الاعلی و بحمده و سبحان  
 ی العظیم و بحمده در سجده و رکوع گفته شود و یا حتماً  
 قنوت انجام گیرد و یا تسبیحات اربعه، سه بار تکرار شود،  
 ه اینها همه مطابق با احتیاط است.

- نخستین مرجع تقلیدی که همه فقهای شیعه بر اعلمیت  
 اتفاق نمودند شیخ انصاری بود، و ظاهراً چنین اجماع و  
 فاقی از ناحیه علما، حتی بعد از شیخ نیز برای کسی  
 ناصل نشده است.

شیخ پنجاه و دو ساله بود که مرجعیت عام شیعه به  
 ی سپرده شد، و از آنجا که اعلمیت از موضوعاتی است که  
 بوتش متوقف بر بینه شرعی است و نیاز به شهادت دو فرد  
 اادل و اهل خبره دارد، با شهادت سعید العلماء مازندرانی  
 ه اعلمیت شیخ، بینه شرعی کامل شد، زیرا پیش از او  
 صاحب جواهر به این امر گواهی داده بود.

۱- روزی که بینه شرعی بر اعلمیت شیخ اقامه شد، وی در  
 اجتماع بسیار عظیمی که همه بزرگان علما و طلاب حوزه  
 لمیه و طبقات مختلف مردم شهر نجف اشرف حضور  
 داشتند بر منبر رفت و بیانات مفصلی در باره اعلمیت ایراد  
 نمود، و با ادله و براهین قاطع، وجوب تقلید از اعلم را  
 یاب کرد. سخنان او بگونه‌ای بود که همه مردم فتوای او

مبنی بر وجوب تقلید اعلم را دریافتند و خود شیخ را  
 مصداق بارز اعلم دانستند.

۵- چون شیخ، تقلید اعلم را لازم می‌دانست، در اواخر عمر  
 تصمیم گرفت از منصب مرجعیت کناره‌گیری کند تا اعلم  
 دیگری برای آینده در نظر گرفته شود و خود به «رحبه» در  
 نزدیکی نجف اشرف برود. ولی علاقه شدید  
 مردم به او مانع از این شد که به تصمیم خود جامه عمل  
 ببوشاند.

۶- با این امور شیخ مرجع عام تقلید شیعیان شد، و به  
 مدت ۱۵ سال از ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ این منصب را دارا بود،  
 در طی این سالان هم به اداره امور مذهبی و دینی مردم  
 اشتغال داشت و هم حوزه علمیه نجف اشرف را اداره می‌کرد

### ■ مقام والای شیخ انصاری

در بیان انگیزه اینکه چرا شیخ به عنوان مرجع عام  
 برگزیده شد، و حال آنکه پیش از او چنین امری سابقه  
 نداشت باید به طور فشرده مطالبی را عرض نمود:

الف) شهرت و آوازه شیخ اعظم به فضل و تقوی و ورع  
 در طول دوران تحصیل که او را در میان حوزه‌های علمیه  
 مشار پالبنان ساخته بود، و سرآمد همدرسان خویش به  
 شمار می‌رفت. و کمتر کسی از اقرانش بود که به مراتب علم  
 و فضل و نبوغ و استمداد و تقوای او اعتراف و اذعان نداشته  
 باشد.

ب) گواهی بسیار مهم استاد او آیه‌الله شیخ علی  
 کاشف الغطاء در باره وی به اینکه او مجتهد مطلق است.  
 داستان از این قرار بود که روزی کاشف الغطاء در  
 برخورد با مرحوم شیخ جعفر شوشتری به او می‌گوید: گمان  
 میر که شیخ مرتضی برای استفاده کردن از مباحث و مسائل  
 به درس من می‌آید: «والله انه لمجتهد مطلق» به خدا  
 قسم او مجتهد مطلق است. بلکه بدین جهت است که  
 می‌گویند: «در خانمهای کهن چیزی یافت می‌شود»: او  
 برای بدست آوردن چنین اموری به درس من می‌آید.

جالب این است که این شهادت استاد زمانی است که  
 عمر شیخ از بیست و یک سال تجاوز نکرده است.  
 کاشف الغطاء در ملاقات دیگری به شیخ جعفر  
 شوشتری می‌گوید: کل شیء سماعه اعظم من عیانه  
 الاشخکم شیخ مرتضی فان عیانه اعظم من سماعه هر امری  
 در هنگام شنیدن پیش از گاه دیدن جلوه می‌کند، مگر شیخ  
 شما شیخ مرتضی انصاری که در برخورد های حضوری  
 بیشتر و بهتر شناخته می‌شود.

ج) شهادت استاد دیگرش ملا احمد نراقی به مراتب  
 علمی و فقهتی شیخ، بدین قرار، که وی روزی در حضور  
 گروهی فرمود: من در مسافرتها خود بیش از پنجاه  
 مجتهد مطلق را زیارت کرده‌ام و با آنها به مذاکره علمی

پرداختام، ولی هیچکدام از آنها را مانند شیخ مرتضی نیافتم.

این مطلب را نراقی زمانی گفته است که شیخ ۳۲ ساله بود، و برای دیدار خویشان خود وصله رحم به ایران آمده بود و چند سالی در کاشان نزد ملا احمد نراقی به شاگردی نشست.

د) شهادت و اعتراف همه علمای زمان به اعلمیت شیخ. از آنجا که آوازه شیخ در همه سرزمین‌های اسلامی پیچیده بود، همه فقها و علماء خواه به مذاکره علمی با شیخ پرداخته بودند و خواه او را ندیده بودند به اعلمیت وی گواهی دادند، حتی برخی از علماء او را «خاتمةالمجتهدین» نامیدند، و میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۲۳۴-۱۳۱۲ هـ. ق) او را از نظر علم و عمل تالی معصوم می‌دانست.

ه) عمل صاحب جواهر در روزهای آخر عمر در مورد ارجاع مردم به شیخ، که این امر تأثیر مهمی در مرجعیت شیخ داشت.

حوزه علمیه نجف به دست شیخ علی کاشف‌الغطاء که از اساتید شیخ انصاری بود اداره می‌شد، پس از رحلت او در سال ۱۲۵۴، برادرش شیخ حسن (۱۲۰۱-۱۲۶۲ هـ. ق) به همراه صاحب جواهر (۱۲۶۶ هـ. ق) عهده‌دار اداره حوزه شدند، تا اینکه در سال ۱۲۶۲ شیخ حسن کاشف‌الغطاء به رحمت ایزدی پیوست، و صاحب جواهر به تنهایی این مسئولیت را به عهده داشت. مدت‌ها به همین وضع گذشت تا اینکه صاحب جواهر احساس کرد روزهای آخر عمر را می‌گذرانند، لذا دستور داد همه علماء و فقهای بزرگ و طراز اول نجف در مجلسی که در منزل او منعقد گشت شرکت جویند. همه می‌پسنداشتند که صاحب جواهر برای منصب مرجعیت در آینده یا فرزندش شیخ عبدالحسین را معرفی می‌کند و یا دامادش سیدعلی صاحب برهان قاطع را، که هر دو از فقهای بزرگ و مفاخر شیعه بودند.

ولی پس از حضور در جلسه و روپرو شدن با صاحب جواهر دیدند که وی نظری به حاضران انداخت و شیخ مرتضی انصاری را در میان مجلس ندید، بلافاصله دستور دارد او را به مجلس بیاورند، شخصی در پی او رفت لیکن وی را در منزل نیافت، اطلاع حاصل کرد که شیخ به حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) مشرف شده، سراسیمه به حرم شتافت

و در آنجا شیخ را مشاهده کرد که با حالی عجیب رو به قه ایستاده، دستهای خود را به آسمان بلند کرده و برای استاد خویش صاحب جواهر دعا می‌کند. با دیدن این منظره به او چیزی نگفت تا اینکه دعایش تمام شد. سپس آن دعوت صاحب جواهر را به او ابلاغ کرد و با هم به منزل صاحب جواهر رفتند، وقتی شیخ وارد مجلس استاد از آمدن او بسیار خرسند شد و از او تجلیل فراوان عمل آورد و او را بر بالین خود فرا خواند، اینجا بود که صاحب جواهر دست شیخ را گرفت و پرسینه خود نهاده و فرمود: «الان طابلی الموت». یعنی اینک مرگ بره گوارا شد، سپس رو به اهل مجلس کرد و آنها را مخاطب قرار داد و گفت: پس از من، ای

مرجع شماس. آنگاه نظری به شیخ افکند و فرمود: شیخ، از احتیاط‌های خود اندکی فرو گذار، زیرا شریعی اسلام، شریعتی سهل و ساده است. و بدین ترتیب منصف صاحب جواهر برآورده شد و در مجلسی با حضور بزرگان عصر، مرجع آینده مسلمین معرفی گشت، پسران پراکنده شدن علما این حادثه تاریخی در حوزه‌های علمیه میان مردم منتشر شد و همگان از آن اطلاع یافتند. نکته قابل توجه اینکه برخی از حاضران در مجلس

مزبور از عمل صاحب جواهر دلگیر شده و انگشت به دند می‌گزیدند. اینها یا واقعا به مراتب علمی شیخ آگاه نداشتند و از سوابق درخشان وی در حوزه‌های علمیه اطلاعی نیافته بودند و یا مسائل دیگر را در نظر می‌گرفتند و خود را کاردان‌تر و دلسوزتر از مرحوم صاحب جواهر می‌دیدند، البته چه بسا انگیزه‌های دیگری نیز در می‌پوشیده است که از جمله می‌توان به ملی‌گرایی اشاره کرد.

با همه این اوصاف و با تصریح صاحب جواهر به مرجعیت و زعامت دینی شیخ، بعد از وفات استاد، شیخ قبول این منصب خودداری کرد، بدین جهت که او تقلد علم را واجب می‌شمرد و به عقیده او سعید الطلح مازندرانی بدین مقام سزاوارتر بود، زیرا سابقه او می‌دانست و هوش و ذکاوت او را دیده بود.

با مراجعه بسیار مردم به شیخ، او ناگزیر شده که جریا را با سعیدالعلماء در میان بگذارد، به او نامهای نوشت، و در آن چنین مرقوم داشت: هنگامی که شما در کربلا بودید با هم به مجلس درس مرحوم شریف، العلماء مازندرانی

● مرحوم صاحب جواهر این جمله را از این جهت گفته بود که شیخ انصاری نعتها در مسائل شرعی بلکه در هر امری جانب احتیاط را پیش می‌گرفت. یکی از نوادگان صاحب جواهر بر این نقل کرد که چندروز پیش از انعقاد مجلس فوق، مرحوم شیخ برای عبادت از استاد به منزل ما آمده بود، دارویی در نزدیکی مرحوم شیخ بود که صاحب جواهر از آن استفاده می‌کرد، رو به شیخ کرد و گفت: آن دوا را به من بده. شیخ فکری کرد و گفت: آن را نخواهم داد زیرا ممکن است برای شما ضرر داشته باشد و همین اخلاق شیخ انگیزه‌ای شد که صاحب جواهر جمله مزبور را بفرماید.

● مراد از سعیدالعلماء آیت‌الله ملاسعید باقری مازندرانی است که از مفاخر علمای عصر خود بود و شاگردان بسیاری را تربیت کرد، وی در حدود سال ۱۲۷۰ هـ. ق درگذشت. و مراد از شریف‌العلماء آیت‌الله ملامحمد شریف فرزند حسینی املی مازندرانی است که از اساتید شیخ بود و در علم اصول تبحر فراوانی داشت، او بسال ۱۲۴۵ در کربلا فوت کرد.

نیست، بلکه اساتید او نظیر شیخ علی کاشف‌الغطاء و ملا احمد نراقی و امثال ایشان نیز چنانچه بودند. به عنوان نمونه از مرحوم نراقی مؤلف «مستند الشیعه» نقل شده است که می‌گفت: اگر کوههای نراق را بر سر من خراب کنند تحملش برای من آسان‌تر است از بیان فتوایی در یک مسأله.

### ■ حاشیه نویسی‌های شیخ

شیخ با نوشتن حاشیه بر رساله‌های عملیه قبل از خود ظاهراً این هدف عمده را تعقیب می‌کرد که بدین وسیله از مقام شامخ علمی و فقهی گذشتگان تجلیل کند و آنها را مورد احترام خود قرار دهد، او با فروتنی و تواضع بسیار خود تصمیم گرفت تا یاد فقهای پیشین را در میان مردم زنده و جاوید نگه دارد، تا اینکه مردم هرگز ایشان را از دعای خیر فراموش نکرده و قدردان زحمات و کوششهای بی‌وقفه آنان باشند.

### ■ پیروان شیخ اعظم

مراجعی که رساله عملیه نوشتند و مانند شیخ انصاری تنها به حاشیه زدن بر رساله‌های عملیه اسلاف خود اکتفا کردند فراوانند که در اینجا با چهره برخی از ایشان آشنا می‌شویم:

۱- مرحوم آیت‌الله شیخ احمد قزوینی مشهور به «مولی آقا» (۱۲۴۷-۱۳۰۷ هـ.ق) - او نیز نظیر شیخ انصاری از انتشار رساله عملیه مستقلی خودداری کرد و به تحشیه رساله‌های پیش از خود بسنده نمود، که از جمله می‌توان از حواشی او بر رساله‌های ذیل نام برد: نجاة‌العباد مرحوم صاحب جواهر، نخبه مرحوم کلباسی اصفهانی، صیغ‌المقود مرحوم زنجانی و رساله پرسش و پاسخ شیخ اعظم انصاری. البته مرحوم مولی آقا رساله پرسش و پاسخ مستقل از خود به جا گذاشته است.

۲- حضرت آیت‌الله العظمی مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی معروف به میرزای مجدد شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ هـ.ق) - او هم از نوشتن رساله عملیه ابا داشت. و علیرغم اصرار مقلدین بدین کار تن در نداد، و تنها بر نجاة‌العباد مرحوم صاحب جواهر و نخبه مرحوم کلباسی اصفهانی و مناسک حج شیخ انصاری حاشیه نوشت.

اما کتاب «مجمع الرسائل» که به نام او چاپ شده است اثر خود او نیست بلکه مجموعه‌ای از استفتائات است

فتیم، قدرت درک مطلب و فهم و استعداد شما بهتر و تر از من بود، بنابراین شایسته است شما به نجف یف آورده و این امر مهم مرجعیت و زعامت دینی مردم را مدارشویید. پس از مدتی نامه به دست سعیدالعلماء د، و او هم بلافاصله در جواب شیخ چنین نوشت: مطلب ن است که مرقوم داشتید، لیکن سالهاست که من تارک و درس بوده، و بدور از حوزه علمیه و گرفتاررتق و امور مردم هستم، ولی شما در متن حوزه مشغول درس صت بوده‌اید، علیهذا بدون شک در این امر مهم شما تر و سزاوارتر از بنده هستید.

شیخ پس از آگاهی یافتن به نظر سعیدالعلماء، باصله به حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) مشرف شد و در آن ن مقدس، با تضرع و زاری فراوان از خداوند مستعال عواست کرد که او را در این کار پر مسئولیت یاری دهد و فرزش و خطا بازدارد. و بدین ترتیب پس از اینکه شیخ کار را وظیفه شرعی خود تشخیص داد آنرا پذیرفت و به ام امور مربوط به آن تن درداد.

### احتیاط‌های شیخ

چنانکه پیش از این نیز متذکر شدیم، شیخ رساله نیه مستقلی ننوشته است، و گویانکه مردم پافشاری دی به عمل می‌آوردند که این کار را بپذیرد، ولی او گز به چنین کاری دست نیازید، و به جهت ورع و تقوای ن از اندازه و تواضع بسیار از این کار سربزافت. و نیز به ین دلیل بود که جواب سوالات و استفتاءها را مطابق متیاط بیان می‌کرد.

آیت‌الله حاج ملا نصرالدین ترابی دزفولی متخلص به کر\* در کتاب لمعات می‌گوید:

روزی به عنوان اعتراض به استاد خود گفتم: هیچکس نتوی دادن مانند شما نبوده است که غالباً از بیان صریح ی خودداری نموده و حکم مطابق احتیاط را ارائه دهد. غ در جواب فرمود: اگر شما شیخ علی کاشف الغطاء را یمقام فتوی می‌دید، هرگز به من اشکال نمی‌کردید، ه در این امر مرا بسیار جسور و بی‌باک می‌شمردید.

روزی شیخ سوگند یاد کرد که برای من زخم خنجر راتر است از پاسخ استفتاء در احکام غیر ضروری خواه تحب باشد و خواه مکروه.

البته این احتیاط در فتوی تنها از ویژگی‌های شیخ

که به وسیله مرحوم حاج محمد حسین اصفهانی معروف به خبری گردآوری شده و به ضمیمه چند رساله دیگر از همین قبیل به چاپ رسیده است. این رساله برای نخستین بار در تهران بدون حاشیه در سالهای ۱۳۰۹، ۱۳۱۴، ۱۳۲۳ به طبع رسید. این رساله از شهرت خاصی در میان رسالها برخوردار شد و در جایگاه بلندی قرار گرفت و نظر همگان را به خود جلب کرد، لذا علمای بزرگ عصر به تحشیه آن پرداختند که از جمله عبارتند از:

آیه‌الله حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی (م ۱۳۲۶ ق.)

آیه‌الله آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ ق.)

آیه‌الله سید اسماعیل صدر موسوی اصفهانی (م ۱۳۳۸ ق.)

آیه‌الله آقا شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی (م ۱۳۳۲ ق.)

آیه‌الله شیخ محمد علی ثقه الاسلام اصفهانی (م ۱۳۱۸ ق.)

آیه‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ق.)  
و اما رساله مجمع‌المسائل را نیز بعنوان رساله عملیه مستقل نوشته بلکه مجموعه‌ای است از حواشی او بر رساله‌های عملیه پیشین: سراج‌العباد و صراط‌النجاه و سرورالعباد مرحوم شیخ اعظم انصاری و نجات‌العباد مرحوم صاحب جواهر و نخبه شیخ محمد ابراهیم کرباسی و طریق‌النجاه مرحوم سید زین‌العابدین طباطبائی تهرانی و پرسش و پاسخهای او که بوسیله مرحوم سید اسدالله قزوینی جمع‌آوری و چاپ شد.

و در اینجا مناسب است به چند مسأله در مورد مرحوم میرزای مجدد شیرازی اشاره شود.

(الف) مرحوم شیرازی یکی از شاگردان میرزا و مشهور شیخ اعظم انصاری بود و مرحوم شیخ بارها در مجلس درس به اجتهاد او تصریح فرموده بود. و گاهی می‌گفت: من درس را برای سه نفر می‌گویم: میرزا محمد حسن شیرازی (م ۱۳۱۲ ق.)، میرزا حبیب‌الله رشتی (م ۱۳۱۲ ق.) و آقا حسن تهرانی نجم‌آبادی (م ۱۲۸۲ ق.) و از قرار معلوم، شیخ عنایت خاصی به مرحوم میرزا داشته است، و بنا به سخن معروف، هرگاه از بیان مسأله‌ای در درس فارغ می‌شد می‌فرمود: اینک ببینیم میرزا چه می‌گوید!

(ب) میرزای شیرازی یکی از بزرگترین شخصیت‌های علمی زمان خود بود و ابتدا در جلسات درس مرحوم شیخ حاضر نمی‌شد. روزی شیخ برای دیدن میرزا به منزل او می‌رود، در این دیدار میرزا مسأله‌ای را عنوان می‌کند و شیخ بدان ایراد می‌گیرد، مرحوم میرزا پس از اندکی درنگ ایراد را می‌پذیرد و از نظر خود بر می‌گردد. این امر چندین بار تکرار می‌شود تا اینکه وی مجذوب مقام علمی

شیخ می‌گردد و از همین جا شاگردی وی شروع می‌شود. سالها در مجلس درس شیخ شرکت می‌جوید، و از آن مقام علمی فراوانی کسب کرد و پس از شیخ، مقام دو-جائز گردید.

(ج) وقتی شیخ انصاری از دنیا رفت، میرزای مجدد سال داشت که مرجع تقلید اکثر شیعیان گردید. پس از شیخ عدماهی از اهالی آذربایجان به آیه‌الله العظمی حسین کوهکمرای رجوع می‌کردند که پس از درگذشتن در (سال ۱۲۹۹ ق.) به تقلید میرزای مجدد روی آوردند بدین ترتیب وی مرجع تقلید عام شد.

(د) معروف و مشهور است که در ابتدای هر یک شخصی ظهور می‌کنند که دین مقدس اسلام را راز می‌دهد و آنرا جلوه‌گر می‌سازد و به دفاع از آن در برابر کفار و مشرکان می‌پردازد، این عقیده با توجه به حدیث پدید آمده که از پیامبر گرامی روایت شده است که فرمود:

«ان الله یسبئ لیسبئ هذه الاممة ع»

راس كل مائة سنة من یجدد لها دینها، یعنی خدا متعال در آغاز هر قرن، فردی را بر می‌گزیند که امت اس را رونق دهد و سنت‌های بفراموشی سپرده را حیاتی بخشد. البته این روایت از نظر سند مورد اشکال و ایراد است (جامع‌الاصول فی احادیث الرسول و سنن ابو داود باری، در پرتو این نظریه بود که عدماهی میرزای مجد حسن شیرازی را مجدد قرن چهاردهم قلمداد کرد چنانکه وحید بهبهانی را مجدد سده سیزدهم شمردمانند

۳- حضرت آیه‌الله شیخ محمد حسن شریعتی استرآبادی (۱۲۴۹- ۱۳۱۸ هـ. ق.)- وی نیز بجای تالی رساله عملیه مستقل، در ارائه فتوای خود تنها به حاشیه نویسی بر رساله‌های پیشین و جمع‌آوری استفتائات بسنده نمود.

۴- استاد الفقهاء والمجتهدین آخوند ملامحمد خراسانی (۱۲۵۵- ۱۳۲۹ هـ. ق.)- از این فقیه گرانقدر دانشمند بزرگ نیز رساله عملیه مستقل منتشر نشد است، بلکه او هم نظیر استادش شیخ اعظم، به حاشیه‌نویسی بر رساله‌های پیش اکتفا کرده است، که از جمله عبارت است از:

حاشیه بر تبصرة المتعلمین علامه حلی، که به ضمیمه تبصرة به عنوان تکملة التبصرة چاپ شده است.

حاشیه بر منهج الرشاد شیخ جعفر شوشتری

حاشیه بر وسیله النجاه فاضل شریانی که بسال ۱۳۲۲

تهران به همراه متن کتاب به چاپ رسیده است، و حاشیه مجمع المسائل میرزا مجدد شیرازی (م ۱۳۱۲ ق.) و حاشیه

بر منتخب المسائل سیدحسین کوه کمرای (م ۱۲۹۹ ق.)

آخوند، رساله‌های بعنوان ذخیره العباد لیوم السعاد داد لیکن آن به عنوان رساله عملیه نوشته نشده بلکه هم پرسش و پاسخها است که از او گردآوری شده این رساله همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را دارد و بر این رساله

محمدتقی شیرازی و سید ابوالحسن اصفهانی حاشیه

### تمیيزات آخوند خراسانی

در اینجا لازم است به پارهای از ویژگیها و مزایای او آخوند اشاره شود:

الف) آخوند از جنبه علمی دارای مقام بس والایی و آوازه موقعیت بلند وی در هر جایی شنیده می‌شد. ف است که آخوند در حدود یک هفته با میرزای زی که استاد وی بود در مورد یک مساله به بحث و گفتگو پرداخته و هر روز که می‌گذشت اشکال تازهای بر کلام او وارد می‌کرد و میرزا نیز در مقام پاسخ بر می‌آمد، تا در روز آخر هفته میرزا با تواضع و فروتنی بهیاری که ظمت روحی و پاکي و قداست نفس وی حاکی بود، در جمعی از طلاب و فضلا اعلام کرد که نظر ملا محمد در دست و مطابق با قاعده است. این عمل علاوه بر آنکه باعث شگفتی حاضران شد و مقام علمی آخوند را اثبات و باعث شد که میرزا پیش از پیش مورد احترام و سربار قرار گیرد، تا جایی که نقل شده گروهی از سرداران وی و از جمله آخوند سانی در خانه مرحوم میرزا را می‌دیدند.

خوشحینان خرمن فضل آخوند خراسانی و تیافتگان مکتب او در هر کجا که بودند موقعیت خاص و امی ویژه داشتند، تا آنجا که معروف شده هر کس نزد آخوند درس خوانده، و در محضر پرفیض او حاضر شده یا با مجتهد مسلم شده و در میان مراجع بزرگ تقلید گرفته است، و یا عالم و دانشمندی میرز گشته و از نیت اجتماعی والایی برخوردار شده است. و همین که ردی فردی نزد آخوند محرز می‌شد پیامدهای نامی آن در میان مردم بخوبی محسوس می‌نمود، به ن دلیل مردم در مقام تعریف عالم مورد علاقه خود به اکتفا می‌کردند که او را از شاگردان مرحوم آخوند به ر آورند.

و هنگامی که به زندگی مراجع بزرگ تقلید و صیات علمی جهان تشیع در دوره اخیر نظر می‌افکنیم بنیم که بیشتر آنان از شاگردان و تربیت‌یافتگان مرحوم آخوند هستند.

آی‌الله شیخ عبدالصمد جزائری (۱۲۴۳-۱۳۳۷ ه. ق.) - این فرزانه بزرگ نیز در بیان مسائل فقه، رساله نقل نشر نکرد بلکه به حاشیه‌نویسی و پاسخ استفتائات با نمود. وی حاشیهای بر مناسک حج و جامع الشتات نوم میرزای قمی (قدس سره) دارد.

۶- آی‌الله شیخ محمد حسن انصاری داماد شیخ اعظم انصاری (۱۲۵۴/۱۳۳۲) - او نیز در بیان مسائل و احکام الهی رساله مستقل ندارد و بر حاشیه منهج‌الرشاد شیخ جعفر شوشتری و منتخب‌المسائل شیخ، اکتفا کرد.

۷- آی‌الله حاج میرزا خلیل کمرهای (م ۱۲۸۰) - او نیز بر حاشیه نجات‌العباد صاحب جواهر اکتفا نمود اما رساله عملیه و مناسک حج او که در تهران سال ۱۳۴۰ چاپ شد فقط احکام ضروری را در بر داشته و متداول نبوده است.

### دوره ششم

در این دوره، بیان فقه و احکام الهی، هم به صورت حاشیه‌نویسی بر رساله‌های عملیه پیشینیان بود، هم به صورت مجموعه‌های پرسش و پاسخ، و هم با تالیف رساله‌های عملیه مستقل.

این امر از زمان آی‌الله میرزای دوم، محمدتقی شیرازی (رضوان‌الله علیه) (م ۱۳۳۸ ق.) آی‌الله سید محمد کاظم یزدی (قدس سره) (م ۱۳۳۷ ق.) متداول شد که تا زمان معاصر نیز ادامه دارد.

دو شخصیت برجسته این مرحله میرزای شیرازی و مرحوم یزدی هستند که این سنت را در میان جامعه فقهی معاصر بنا نهادند و با گسترش مباحث آن و مسائل فرعی، باب تازهای را در فقه شیعہ گشودند. در اینجا لازم است به گوشه‌ای از آثار فقهی ایشان که بیانگر شیوه این دو عالم بزرگ است اشاره شود:

### میرزا محمدتقی شیرازی

مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی بر رساله‌های پیش از خود حاشیه می‌نوشت که از جمله می‌توان به حواشی او بر کتاب نخبه مرحوم کلباسی اصفهانی (م ۱۲۶۱ ق) و رساله علامه مجلسی اول (م ۱۰۷۰ ق) و «ذخیره‌العباد لیوم‌المعاد» ملامحمد فاضل شربانی (م ۱۳۲۲ ق) و «مجمع‌الرجال» میرزا بزرگ شیرازی (م ۱۳۱۲ ق)

اشاره کرد. او همچنین رساله عملیه مستقلی به نام «ذخیره‌العباد لیوم‌المعاد» دارد که به زبان فارسی تالیف کرده است. این رساله همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را در بر دارد و به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است. این شیوه طبعاً فهم مطالب را آسان‌تر می‌سازد و از قدرت انتقال بیشتری برخوردار است.

به دلیل خصوصیتی که این رساله دارد همواره نظر مراجع تقلید را متوجه خود ساخته و باعث شده که پس از فوت میرزا به تحشیه آن بپردازند، از جمله عالمانی که بر «ذخیره‌العباد» حاشیه نوشتند عبارتند از: آی‌الله

سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۶۵ ق) آیتالله سید محمود حسینی شاهرودی (۱۳۹۴ ق)، و آیتالله سید محمد تقی خوانساری (۱۳۷۱ ق)، آیتالله میرزا محمد فیض قمی و آیتالله سید عبدالهادی شیرازی، آیتالله شیخ منصور دزفولی، آیتالله سیدعلی بهبهانی رامهرمزی و جمعی دیگر. عدمای از مراجع تقلید نیز آراء فقهی خود را در متن کتاب مزبور وارد نموده و آنرا کتابی مستقل از ناحیه خود قرار داده‌اند.

لازم به تذکر است که رساله «ذخیره العباد لیوم المعاد» گاهی به جهت اختصار «ذخیره المعاد» نامیده می‌شود، بنابراین، ذخیره المعاد رساله جداگانه‌ای نیست.

### سید محمد کاظم یزدی

مرحوم یزدی نیز بر رساله‌های قبل از خود حاشیه زده است که از جمله حاشیه وی بر «احکام الشریعة» مجلسی اول، نخبه کلباسی و نجات العباد صاحب جواهر و ذخیره العباد و وسیله النجاه ملا محمد فاضل شربیانی (م ۱۳۲۲ ق) و مجمع المسائل میرزا، مجدد شیرازی، وی علاوه بر این، رساله عملیه مستقلی به نام «العروة الوثقی» تألیف کرده است.

رساله عروة الوثقی چه در زمان مرحوم یزدی و چه پس از آن از اهمیت خاصی برخوردار شد، و در میان رساله‌های عملیه مقام والایی را احراز نمود، و از زمان تألیف همواره مورد توجه مراجع تقلید و سایر بزرگان علم بوده است. مزایای این کتاب را می‌توان در شیوایی بیان و رسایی تعبیر و روان بودن عبارات و جملات آن، و نیز گسترده‌گی فروع مذکور در کتاب و حسن سلیقه در انتخاب اسلوبی پسندیده جهت تنظیم ابواب آن برشمرد.

این کتاب تاکنون بیش از پنجاه بار به چاپ رسیده است و مراجع تقلید پس از رحلت مرحوم یزدی، به حاشیه‌نویسی بر آن پرداخته‌اند، حاشیه نوشتن بر عروة الوثقی همچنان در میان مراجع تقلید متداول می‌باشد. همانطوری که پیش از این هم گفتیم تا قبل از تألیف عروة الوثقی، کتاب نجات العباد صاحب جواهر بود که محور بحث‌های فقهی و حاشیه‌نویسی قلمداد می‌شد، لیکن پس از انتشار

رساله عروة الوثقی همه فقها بدان رو نمودند: در اینجا مناسب است به نام برخی از دانشمندان که بر عروه، حاشیه نوشته‌اند اشاره شود:

- ۱- آیتالله سید محمد فیروزآبادی (۱۳۴۵ ه. ق.)
- ۲- آیتالله شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ ه. ق.)
- ۳- آیتالله سید حسن صدر (۱۳۵۴ ه. ق.)
- ۴- آیتالله میرزا محمد حسین ناگینی (م ۱۳۵۵ ه. ق.)

- ۵- آیتالله شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ ه. ق.)
- ۶- آیتالله آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ ه. ق.)
- ۷- آیتالله سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ ه. ق.)
- ۸- آیتالله حاج آقا حسین طباطبائی قمی (م ۱۳۶۶ ه. ق.)
- ۹- آیتالله سید محمد تقی خوانساری (م ۱۳۷۱ ه. ق.)
- ۱۰- آیتالله سید محمد حجت کوه کمرهای (م ۱۳۷۲ ه. ق.)
- ۱۱- آیتالله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ ه. ق.)

- ۱۲- آیتالله سید صدرالدین صدر (م ۱۳۷۳ ه. ق.)
- ۱۳- آیتالله سید جمال الدین گلپایگانی (م ۱۳۷۸ ه. ق.)
- ۱۴- آیتالله میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی (م ۱۳۷۸ ه. ق.)
- ۱۵- آیتالله سید حسین بروجردی (م ۱۳۸۰ ه. ق.)
- ۱۶- آیتالله سید یونس اردبیلی (م ۱۳۷۷ ه. ق.)
- ۱۷- آیتالله میرزا مهدی شیرازی (م ۱۳۸۰ ه. ق.)
- ۱۸- آیتالله سید عبدالهادی شیرازی (م ۱۳۸۱ ه. ق.)
- ۱۹- آیتالله سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰ ه. ق.)
- ۲۰- آیتالله شیخ محمد خوانساری
- ۲۱- آیتالله سید محمود شاهرودی (م ۱۳۹۴ ه. ق.)
- ۲۲- آیتالله سید علی بهبهانی رامهرمزی (م ۱۳۹۵ ه. ق.)
- ۲۳- آیتالله سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۹۵ ه. ق.)
- ۲۴- آیتالله سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵ ه. ق.)
- ۲۵- آیتالله سید ابوالحسن رفیع قزوینی
- ۲۶- آیتالله سید عبدالله شیرازی (۱۳۰۹/۱۴۰۵ ه. ق.)
- ۲۷- آیتالله شیخ عبدالنبی عراقی ۱۳۸۰

در مورد انگیزه مرحوم یزدی در تألیف کتاب عروه خود او چنین نقل شده است: «شیخ انصاری آنچه به وی مطابق با احتیاط بود به عنوان حاشیه بر رساله نجات العباد صاحب جواهر نشر داد، و میرزای شیرازی مطابق با احتیاط رادر حاشیه خود بر رساله مزبور به کرد، در این زمان بود که احساس کردم مردم به کمال نیاز دارند تا احکام دینی را به عنوان فتوی از مجتهد فراگیرند، از این رو دست بکار تألیف رساله عروة الوثقی زدم. در این رساله اگرچه احتیاط‌هایی وجود دارد و بیشتر آنها مستحبی است.

مرحوم یزدی رساله دیگر بنام «ذخیره الصالحه» دارد که خود وی نگارش نکرده است، بلکه شیخ سعید محمدرضا الحلی فتاوی او را از مواضع مختلف گرد آورده به سال ۱۳۲۹ در بغداد در چاپخانه دارالسلام به چاپ رسانیده است. (۳)

و بر این رساله آیتالله اصفهانی حاشیه دارد و رساله دیگری بنام منتخب الرسائل دارد که در چاپخانه منذرسال ۱۳۳۱ به زیور چاپ آراسته گردید و این رساله حواشی سید محمد فیروزآبادی و شیخ عبدالله مامقانی در سال ۱۳۳۰ و سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۳۹



سیدمالدین عراقی در سال ۱۳۴۱ و آیتالله بروجردی سال ۱۳۶۶ چاپ شد.

و رساله دیگری به «نعم‌الزاد لیوم المعاد» دارد و بر ساله آیتالله سید محمد فیروزآبادی حاشیه دارد و دیگر ایشان «طریق النجاه» می‌باشد که خیلی سر و به عنوان سؤال و جواب تنظیم شده سال (۱۳۳۰ ق) در بغداد در چاپخانه دارالسلام بچاپ شده است.

### جال علمی دوره ششم

پس از مرحوم شیرازی و یزدی، فقها و مراجع شیوه را دنبال کرده و علاوه بر حاشیه‌نویسی بر رساله‌های از خود به تألیف رساله‌های عملیه مستقل پرداختند. که اینجا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود:

آیتالله سید اسماعیل صدر ۱۲۵۵/۱۲۵۸-۱۳۳۸- علاوه بر حاشیه نجات‌العباد صاحب جواهر و رساله‌های شیخ جعفر شوشتری و ذخیره‌العباد زین‌العابدین مازندرانی (م ۱۳۰۹) و ذخیره‌العباد لیوم اد فاضل شریانی (م ۱۳۲۲) رساله عملیه مستقل هم ت که در ج ۱۵ ص ۱۸۹ از کتاب «الذریعه» به آن شده است.

آیتالله سید محمد فیروزآبادی (م ۱۳۴۵ هـ. ق) - وی بر حاشیه عروقالوئقی که بنا به قولی اولین حاشیه ن کتاب است، و حاشیه بر «منتخب‌الرسائل» سید ی، رساله‌های مستقلی به نام «ذخیره‌العباد لیوم اد» و «منتخب المسائل» مستقل و مناسک حج دارد. آیتالله آقا شیخ محمد سبط‌الشیخ (۱۲۷۲-۱۳۴۴) - او علاوه بر حاشیه «مصباح الهدایه» شیخ محمد طاهر ولی رساله عملیه مستقلی هم به نام «هدایةالسعوم»

آیتالله سید حسن صدر (۱۲۷۲-۱۳۵۴ هـ. ق) او بر بهای تبصره‌المتعلمین علامه حلی، نجات‌العباد صاحب هر و عروقالوئقی، اثر مرحوم یزدی حاشیه نوشته، و به عروقالوئقی، یعنی کتاب غایب‌القصوی را نیز حاشیه است. مرحوم صدر علاوه بر اینها رساله مستقلی به نام «تصیل الفروع الدینیة فی فقه‌الامامیه» نوشته که در مة آن شروع تقلید را به طور موط بیان کرده و احکام طهارت و نماز را در دو آن آورده است. از او کتابهای دیگری نیز باقی مانده که عبارتند از: «المسائل المهمه» مشتمل بر ابواب احکام، رساله «اجوبه‌المسائل» که در عراق، لبنان و یکا به چاپ رسیده است، و مناسک حج که همه اعمال و عمره را در بر دارد و به سال (۱۳۴۱ ق) در بغداد

چاپ شده است.

۵- آیتالله شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ ق) - او نیز علاوه بر حاشیه جامع عباسی شیخ بهائی رساله عملیه‌ای به نام منتخب الرسائل دارد که در سال ۱۳۴۱ چاپ شد و رساله دیگری بنام ارشاد المستبصرین داشت که این رساله حاوی تمام ابواب فقه از طهارت تا دیات می‌باشد و در سال ۱۳۴۲ چاپ شد و مناسک حج هم دارد که در سال ۱۳۴۴ در نجف چاپ شد.

۶- آیتالله شیخ محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵ هـ. ق) - مرحوم نائینی بر مناسک حج شیخ اعظم انصاری و عروقالوئقی سید یزدی و بر نجات‌العباد صاحب جواهر حاشیه زد، رساله مستقلی به نام «وسيلة‌النجاه» تألیف کرد که در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسید. و مختصر این رساله هم به نام «احکام العبادات و المعاملات» در سال (۱۳۴۵ ق) در بیروت چاپ شد و نیز رساله دیگری به نام «ذخیره‌العباد لیوم المعاد» دارد که در چاپخانه علوی چاپ شد. و نیز مناسک حج که در سال (۱۳۴۹ ق) در نجف چاپ گردید.

۷- آیتالله شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ هـ. ق) - وی نیز بر مناسک حج شیخ انصاری و ذخیره‌العباد میرزای شیرازی دوم و عروقالوئقی سید یزدی حاشیه نوشت، و رساله عملیه‌ای به نام «وسيلة‌النجاه» تألیف کرد که در ۱۱۲ صفحه در تهران چاپ شد. او رساله دیگری به نام مجمع الرسائل دارد که برخی از مراجع بدان حاشیه زده‌اند و رساله‌های دیگری به نام منتخب‌الرسائل و به نام ذخیره‌العباد که در تهران در سال (۱۳۳۹ ق) و بنام «مجمع‌الاحکام» که در سال (۱۳۴۳ ق) و نیز مناسک حج که در سال ۱۳۴۷ در تهران طبع شده دارد.

۸- آیتالله آقا ضیاء‌الدین عراقی (م ۱۳۶۱ هـ. ق) - او نیز علاوه بر حاشیه «منتخب‌الرسائل» و «عروه‌الوئقی» سید یزدی و بر رساله ذخیره‌العباد لیوم المعاد «آخوند خراسانی رساله عملیه مستقل هم دارد.

۹- آیتالله سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ هـ. ق) - مرحوم اصفهانی بر «خیره‌العباد» میرزای شیرازی و «عروقالوئقی» حاشیه نوشت، و بجز آن رساله‌های عملیه مستقلی نیز داشت.

یکی رساله «منهاج‌الصالحین» است که در زمان حیات وی سه بار به چاپ رسید. و دیگر رساله «وسيلة‌النجاه» است که از آثار ارزشمند و بسیار نفیس اوست، و در میان دیگر رساله‌ها تابندگی و جذابیت خاصی دارد و از زمان تألیف تا کنون پیوسته مورد عنایت و توجه فقها و بزرگان بوده است، و به طوری که در همه محافل علمی و مجالس دینی و جلسات استفتاء بنحوی سخنی از آن به میان می‌آید.

وسيلة‌النجاه، اغلب مسائل مورد نیاز و ابتلای مردم را

در بر دارد و با شیوهای جالب و پسندیده در قالب عباراتی واضح و بدون ابهام احکام دینی را بیان کرده است، و به همین دلیل مراجع تقلید به تحشیه و تعلیق آن همت گماردند که از جمله عبارتند از:

آیتالله سید محمد تقی خوانساری، آیه الله سید محمد حجت کوه کمرهای، آیتالله سید صدرالدین صدر، آیتالله سید جمال الدین گلپایگانی، آیتالله میرزا مهدی شیرازی، آیتالله سید عبدالهادی شیرازی، آیتالله شیخ محمدرضا آل‌یس، آیتالله سیدحسین حمای، آیتالله شیخ محمد کاظم شیرازی، آیتالله سیدجواد تبریزی، آیه الله شیخ عباسعلی شاهرودی، آیه الله شیخ عبدالنبی ارکی، آیتالله میرزا آقا اسطهباناتی شیرازی، آیتالله سید محمدبغدادی، آیتالله سید محسن حکیم، آیتاله سید محمود شاهرودی، آیتالله سیدمحمد هادی میلانی و آیتالله سید احمد خوانساری و آیتالله سیدمحمد حسین اصفهانی.

رساله وسیله النجاة سالهای ۱۳۴۱، ۱۳۴۳، ۱۳۴۶، ۱۳۵۵ هـ. ق در زمان حیات آیتالله سید ابوالحسن اصفهانی چاپ شد و از آن پس نیز تاکنون بیش از بیست بار بچاپ رسیده است.

علامه تهرانی می‌گوید: این رساله را سید ابوالقاسم اصفهانی در سال ۱۳۳۴ به فارسی ترجمه کرد و آنرا صراط النجاة نام نهاد، این ترجمه در سال ۱۳۴۵ چاپ شد. (۴)

شیخ سعادت حسین این رساله را به زبان اردو برگرداند، و آنرا «ذریعة النجاة فی ترجمة وسیلة النجاة» نامید، این ترجمه به سال ۱۳۵۶ درهند چاپ شد.

۱۰- آیتالله حاج آقا حسین بروجرودی (م. ۱۳۸۰ هـ. ق)

بروجردی علاوه بر حاشیه برمناسک حج شیخ اعظم انصاری و عروة الوثقی سیدیزدی، رساله عملیه مستقلى به نام «جامع الفروع و مجمع الرسائل» و «انيس المقلدين في احكام الدين» که به صورت سؤال و جواب تنظیم شده، مناسک حج، و رساله عملیه مستقل دیگری هم داشت که آنرا رساله توضیح المسائل نامید، این رساله به دلیل سبک خاص و ابتکاری خود در بیان مسائل، در میان رساله‌های فارسی برجستگی بارزی یافت و سایر رساله‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داد. توضیح‌المسائل بروجرودی اشکالاتی را که در سایر رساله‌ها بود و از ابهام و پیچیدگی عبارات آنها سرچشمه می‌گرفت از میان برداشت و همگان را از موهبت بهره‌گیری از کتاب‌های فقهی خرسند و خشنود ساخت.

وی در رساله مزبور که مشتمل بر همه ابواب فقه از طهارت تا دیات بود با شیوه بی‌سابقه‌ای در میان رساله‌های عملیه، نهایت باریک بینی و دقت را اعمال کرد و در طرح

هر مسأله رعایت اختصار و از تفصیلات بی‌فایده اجتناب نموده بود. ویژگی‌های این رساله موجب شد که به تقلید کشورهای دیگر نیز رساله‌های خود را مطابق توضیح‌المسائل مذکور تنظیم کنند.

باری، پس از درگذشت مرحوم بروجرودی عدد مراجع تقلید فارسی زبان و عرب موارد اختلاف رساله را تغییر داده و طبق نظر خود اصلاح کردند و خود به چاپ رسانیدند. و این خود نشانگر اهمیت فزاینده این رساله و تأثیر شگرفی است که در حوزه‌های علمیه است.

علاوه بر این برخی از علماء و مراجع به حاشیه رساله توضیح‌المسائل پرداختند که عبارتند از آیات عظام حکیم، شاهرودی، شیخ منصور دزفولی، میلانی و ... و تقلید بزرگوار زمان ما.

۱۱- آیتالله میرزا علی آقا شیرازی (متوفای ۱۳۵۵) زیرا او هم علاوه بر حاشیه «نجات‌العباد»، میرزا محمد شیرازی رساله مستقلى هم به نام وسیله النجاة نوشت که سال ۱۳۳۹ در نجف اشرف چاپ شد و نیز رساله دیگری زبان ترکی داشت که به قلم آیتالله میرزا محمد اردوبادی تنظیم شده بود.

۱۲- آیتالله حاج شیخ کاظم شیرازی (۱۲۹۰-۱۳۰۷ هـ. ق) - وی علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و وسیله النجاة رساله عملیه مستقلى هم به نام «ذخیره العباد» داشت و رساله دیگری در مناسک حج داشتند که در سال ۱۳۵۴ هـ. ق.

۱۳- آیتالله حاج آقا حسین طباطبائی قمی (م. ۱۳۶۰ هـ. ق) - وی علاوه بر حاشیه عروة الوثقی، رساله مستقلى به نام «ذخیره العباد لیوم المعاد» نوشت که در سال ۱۳۶۶ رساله طریق النجاة و منتخب المسائل فیما تعم الببلو سال ۱۳۶۶ چاپ شد و مناسک حج او نیز در سال ۱۳۶۶ به طبع رسید.

۱۴- آیتالله سید حسین حمای ۱۳۷۹/۱۳۹۸- او علاوه بر حاشیه وسیله النجاة، رساله مستقلى به نام «همه المسترشدين و المسائل النجفیه» تألیف کرد.

۱۵- آیتالله سید یونس اردبیلی (۱۲۹۳-۱۳۷۷) زیرا او علاوه بر حاشیه «عروة الوثقی» رساله عملیه مستقلى به نام «وجیزة المسائل» داشت.

۱۶- آیتالله شیخ محمد مهدی بیگدلی دزفولی ۱۳۷۰/۱۳۸۸- وی مانند اسلاف خود علاوه بر جامع عباسی شیخ بهائی و عروة الوثقی سید یزدی در رساله عملیه مستقلى هم به نام ذخیره العباد داشتند.

۱۷- آیتالله شیخ محمد جعفر انصاری ۱۳۱۲/۱۳۷۰- وی نیز همچون مراجع گذشته وسیله النجاة عربی و صراط النجاة فارسی مرحوم اصفهانی و کلمة التقوی حاج شمس‌الرضا دزفولی را حاشیه زد و رساله مستقلى به

فی احکام الشریعة فارسی و رساله دیگری به عنوان عملیه فی الفروع الفقهیه نوشت.

آیتالله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء ۱۳۷۴/۱ زیرا او هم علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و مجمع الرسائل شیخ جعفر شوشتری و عین الحیاة حمد کاشف الغطاء متوفی ۱۳۴۵ رساله عملیه بی هم به نام وجیز قالا حکام عربی و زاد المقلدین و مناسک حج عربی و فارسی داشتند.

آیتالله شیخ محمد رضا آل یس او نیز علاوه بر حاشیه وسیلة النجاة اصفهانی، رساله بی به نام «بلغ الرغبین فی فقه آل یس» به رشته تحریر

آیتالله شیخ عبدالنبی عراقی (م ۱۳۸۰ ق.) - وی حاشیهای بر وسیلة النجاة دارد، و علاوه بر آن رساله بی به نام «ذخیرة العباد لیوم المعاد» نوشته است، که ل ۱۳۶۹ در قم چاپ شد.

آیتالله سید جمال الدین گلپایگانی (م ۱۳۷۸ هـ - ق.) - علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و وسیلة النجاة، رساله بی هم به نام «ذخیرة العباد لیوم المعاد» دارد که در ۱۳۷۱ در چاپخانه حیدری نجف شرف چاپ شده

آیتالله سید عبدالهادی شیرازی (م ۱۳۸۱ هـ - ق.) - وی نیز همچون اسلاف خود عروة الوثقی و وسیلة النجاة شییه زد، و رساله مستقلی به نام ذخیرة العباد نوشت که آن فارسی بود، و به علاوه رساله های به زبان عربی به نام بلغة النجاة» تألیف کرد، و دو مناسک حج فارسی و عربی نته تحریر در آورد.

آیتالله سید ابراهیم اصطهباناتی شیرازی (۱۲۹۷ - ۱۳۰۷ ق.) -

او هم علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و وسیلة النجاة رساله بی به زبان فارسی به نام «صراط النجاة» ذخیرة العباد» و «مناسک حج» تألیف کرده است. آیتالله سید صدرالدین صدر (م ۱۳۷۳ هـ - ق.) - او هم بر حاشیه «وسيلة النجاة» آیتالله اصفهانی، رساله بی به نام «سفینة النجاة» دارد.

آیتالله شیخ عباسعلی شاهرودی - او علاوه بر حاشیه

الوثقی و وسیلة النجاة» رساله عملیه مستقل نیز دارد. آیتالله میرزا مهدی حسینی شیرازی (متولد ۱۳۰۴ ق.) ۱۳۸۱ هـ - ق.) - علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و وسیلة النجاة عملیه مستقل فارسی به نام «ذخیرة العباد لیوم المعاد» و «الصلحاء» و رساله الوجیزة» و عربی به نام

یقالات حکام» دارد. آیتالله سید محمد حجت کوه کمرهای ۱۳۷۱ هـ - ق.) - مرحوم حجت نیز علاوه بر حاشیه عروه بلغة النجاة رساله های مستقلی تألیف نموده است که یکی

ارشاد المؤمنین» است، و دیگری وسیلة النجاة، و وسیله فارسی است و همان رساله عملیه سید حسین کوه کمرهای است که با حاشیه و بیان مواضع اختلاف نظر آنرا به نام خود چاپ کرده است و دیگری مناسک حج.

۲۸- آیتالله سید محمد تقی خوانساری (م ۱۳۷۱ هـ - ق.) - خوانساری نیز علاوه بر حاشیه عروة الوثقی و ذخیرة العباد لیوم المعاد میرزا محمد تقی شیرازی رساله عملیه مستقل هم دارد و مناسک حج او نیز در سال (۱۳۶۶ ق) در تهران چاپ شد.

۲۹- آیتالله سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰ هـ - ق.) - مرحوم حکیم علاوه بر حاشیه تبصره علامه و عروة الوثقی و توضیح المسائل بروجرودی، رساله عملیه مستقلی به نام منهاج الصالحین دارد که به زبان عربی است.

رساله مرحوم حکیم در میان عرب زبانها جایگاه خاصی یافت و به همین جهت آیتالله شهید صدر بر آن حاشیه نوشت. یکی از امتیازات این رساله این است که بخلاف اکثر رساله های آن زمان، باب امر به معروف و نهی از منکر را ندارد و مسائل آن را ذکر کرده است.

وی علاوه بر اینها «منتخب الرسائل» و «مناسک حج» و «دلیل الناسک» را نیز تألیف کرد که بسیار مورد استفاده است.

۳۰- آیتالله حاج شیخ منصور دزفولی (۱۳۰۷ - ۱۳۹۲ ق.) - شیخ بزرگ نیز علاوه بر حواشی رساله مختصر الاحکام مرحوم شیخ محمد کبیر و ذخیرة العباد مرحوم اصفهانی و مناسک حج شیخ اعظم انصاری رساله های مستقلی از این قرار دارد: رساله توضیح المسائل، رساله ذخیرة الاخرة و رساله وجیزة.

۳۱ آیتالله سید محمود شاهرودی (م ۱۳۹۴ هـ - ق.) - وی نیز علاوه بر حاشیه ذخیرة العباد مرحوم شیرازی، و وسیلة النجاة و صراط النجاة مرحوم اصفهانی و عروة الوثقی اثر مرحوم یزدی و توضیح المسائل مرحوم بروجرودی، رساله های مستقلی از این قرار دارد: رساله جامع المقاصد که در سال ۱۳۸۰ در نجف چاپ شد.

رساله ذخیرة المؤمنین لیوم الدین که در سال ۱۳۸۲ در نجف چاپ شد.

مناسک حج عربی

مناسک حج فارسی

۳۲- آیتالله سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۶۵ هـ - ق.) - او نیز علاوه بر حاشیه عروة الوثقی سید محمد کاظم یزدی رساله های مستقلی به نام نغبه و توضیح المسائل و مناسک حج از او چاپ شده است.

۳۳- آیتالله شهید سید محمد باقر صدر (۱۳۵۰ - ۱۳۹۹ ق.) - وی نیز علاوه بر حاشیه منهاج الصالحین مرحوم حکیم، رساله مستقلی به نام «الفتاوی الواضحة» و «مناسک حج» دارد.

۳۴- آیتالله سید عبدالله شیرازی- ایشان نیز علاوه بر حاشیه عروه، رساله‌های انیس المقلدین، مناسک حج و توضیح المسائل را تألیف کرده است و رساله انیس المقلدین در سال ۱۳۶۵ در چاپخانه علمی نجف چاپ شد.

۳۵- آیتالله سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵ هـ. ق) از مرحوم خوانساری نیز علاوه بر حاشیه مناسک حج شیخ اعظم انصاری و حاشیه عروه، رساله مستقلی به نام «احکام العبادات» چاپ شده که شامل ابواب عبادات تا خمس است.

۳۶- آیتالله سید یحیی یزدی (۱۳۲۱-۱۳۸۳ ق)- او نیز علاوه بر حاشیه توضیح المسائل رساله مستقلی به نام «انیس المقلدین» دارد.

۳۷- آیتالله سید علی بهبهانی رامهرمزی (م ۱۳۹۵ ق)- او نیز علاوه بر حاشیه عروه الوثقی مرحوم یزدی و وسیله النجاة مرحوم اصفهانی رساله عملیه مستقلی به نام جامع المسائل نوشت و وسیله النجاة به انضمام حاشیه مذکور چاپ شد.

۳۸- آیتالله میرزا حسن بجنوردی او نیز علاوه بر حاشیه عروه و وسیله النجاة رساله عملیه مستقلی به نام ذخیره العباد لیوم المعاد داشت.

۳۹- آیتالله شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی- او مانند مراجع گذشته علاوه بر حاشیه عروه الوثقی رساله عملیه مستقلی هم به نام زبدة المسائل عربی و فارسی و رساله «المسائل الفقهیه» و مناسک حج دارد که به طبع رسیده است.

از جمله کسانی که مسئولیت بیان فقه و احکام الهی را به شیوه اسلاف خود، یعنی حاشیه نویسی بر رساله‌های علمای گذشته و تألیف رساله‌های عملیه مستقل به انجام رسانیدمانند مراجع بزرگ معاصر هستند، که هریک علاوه بر حاشیه بر عروه الوثقی و وسیله النجاة و توضیح المسائل رساله‌های علمیه مستقلی هم دارند، که بحمدالله تعالی اینک در دسترس شیعیان جهان است، و از آن بهره می‌برند که اینک نیازی به نام بردن آنها نیست.



در آغاز این دوره فقهائی به ظهور پیوستند که شیوه تحقیقی آنان در تبیین فقه و احکام الهی همانند میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی بود، که از آن جمله فقهای ذیل را باید نام برد:

۱- آیتالله، حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق)- که علاوه بر حاشیه «نجات العباد» صاحب جواهر، رساله جملیه‌ای به نام «ذخیره الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام»، به زبان عربی و به زبان فارسی تحت عنوان «الهدایه» نیز دارد.

۲- آیتالله، شیخ محمد طه نجف (م ۱۳۲۹ ق)- او نیز علاوه

بر حاشیه «صراط النجاة» و «سراج العباد» شیخ انصاری رساله جملیه‌ای مستقل به نام «وسیله النجاة» دارد.

۳- شیخ عبدالله مازندرانی (م ۱۳۳ ق)- او علاوه بر حاشیه «مجمع الرسائل» حاج شیخ جعفر شوشتری مستقلی به نام «منتخب المسائل» دارد که در سال (ق) چاپ گردید، و نیز رساله دیگری در «طها» «صلوه» دارد که علامه تهرانی در کتاب «الذریعه» ص ۱۹۱ بدان اشاره کرده، که این رساله با حواشی ضیاءالدین عراقی طبع شده است.

۴- آیتالله، حاج میرزا حسین خلیلی (م ۱۳۲۶ ق) علاوه بر حاشیه «مجمع الرسائل» میرزای شیرازی، جملیه‌ای دارد تحت عنوان «ذریعه السواد فی مسالمة نجات العباد» همچنین در این حوزه، فقهای می‌زیست که رساله عملیه مستقل داشتند که باید از آنان به شرح نام برد:

۱- «رساله المقلدین الی احکام الدین»، از آیتالله مهدی قزوینی (م ۱۳۰۰ ق)

۲- «ذخیره المعاد فی تکالیف العباد»، به زبان فارسی آیتالله شیخ زین العابدین بابلی (بارفروشی) مازندران (۱۳۰۹ ق).

۳- «وسیله النجات»، اثر حاج شیخ هادی تهرانی (۱۳۲۱ ق)، که به سال (۱۳۰۱ ق)، عبدالوهاب نم خویی، آن را طبع و نشر نموده است.

۵- رسائل عملیه آیتالله مولی محمد فاضل شربیلی (۱۳۲۲ ق)

«وسیله النجات» که برای نخستین بار در بمبئی سال (۱۳۰۶) بدون حاشیه و به سال (۱۳۲۲ ق) با آخوند خراسانی و سید طباطبائی یزدی، طبع گردید. «ذخیره العباد لیوم المعاد»، که در مشهد با (۱۳۳۱ ق) و بغداد، با حواشی سید اسماعیل طباطبائی یزدی، و میرزا محمد تقی شیرازی، و به (۳ ق)، با حاشیه سید اصفهانی و سید ابراهیم اصطهباناتی نجف اشرف، و رساله «سراج العباد» به خط مرحوم لاری، طبع گردید.

۶- رساله «ذخیره العباد فی یوم المعاد» آیتالله اسماعیل فریزه‌ندی تهرانی، که در تهران به سال (۱۳۰۵ ق) طبع شد

۷- رساله «منتخب الرسائل»، آیه الله سید ابوالقاسم اصفهانی معروف به «محرر» در تهران به سال (۳۲۳ ق) طبع گردید.

۸- رساله «مجمع المسائل»، آیتالله حاج میرزا محمد جزئی اصفهانی، که در تهران به سال (۱۳۳۰ ق) طبع

۹- رساله «خیر الزاد الی یوم المعاد» آیه الله حاج علی آقا ایروانی (م ۱۳۵۴ ق)

۱۰- رساله «ذخیره المعاد لاهل الرشاد»، آیه الله محمد حسین بارفروشی بابلی مازندرانی (م ۱۳۰۸ ق)

نامه‌های پرسش و پاسخ در ادوار مختلف

نانکه پیش از این قول دادیم، در پایان بحث از بیان فقه در ادوار مختلف لازم است رساله‌های و پاسخی را که از سوی علما و فقها تنظیم می‌شد بررسی و کنکاش قرار دهیم. آلیف این گونه رساله‌ها که از دور دوم آغاز شده است نیز ادامه دارد، ولی در هر دوره به کیفیت خاصی شرایط آن دوره اقتضا می‌کرده است. اینک ای هر دوره را فهرستوار نام می‌بریم:

دارد که در کتابخانه مدرسه محقق سبزواری در مشهد موجود است. (۷)

رساله شیخ علی کرکی (م. ۹۴۰ هـ). شیخ آقا بزرگ تهرانی، در باره این رساله می‌نویسد: نخستین سئوالی که در آن مطرح می‌شود در باره کسی است که نیت روز را در شب فراموش کند، و روز یادش بیاید. این رساله به خط شیخ محمود جزائری است، به سال ۱۰۸۶ (ق.) نوشته شده و در کتابخانه شوشتری‌ها در نجف موجود است. وی رساله فارسی دیگری دارد که نسخهای از آن در کتابخانه شیخ مشکور در نجف است. از او رساله دیگری مانده است که شاگردش سید فضل‌الله حسینی آن را در چند فصل مرتب و منظم کرده است.

رۀ دوم

دوره چهارم

رساله‌های شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ.ق) در جواب مسائل جرجان، شیراز، مازندران و پاسخ به سئوالات این

کسانی که دوره چهارم چنین رساله‌هایی را تألیف کردند بدین قرارند:

شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ هـ) - رساله‌ای دارد مشتمل بر سی مسأله و رساله‌ای محتوی ۶۰ مسأله، و رساله‌ای در پاسخ ۲۲ سئوال از اهالی الجزایر. رساله شیخ حسین ظهیری، این رساله باب طهارت و نماز و زکات را در بردارد. مجلسی اول (م ۱۰۷۰ هـ.ق) - در پاسخ برخی از فضلاء خراسان و متدینین کاشان رساله‌ای تألیف کرده است که همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را در بردارد. سیدحسین معروف به مجتهد کرکی (م. ۱۰۰۱ ق) در اردبیل.

رساله‌های سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ.ق) در پاسخ اهالی طرابلس، موصل و طوس و به پرسش‌های بن تکیان (رساله تبانیه) و محسن حسینی رسی؛ رسیه) و سلاز که از شاگردان وی بود. رساله‌های شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق) در پاسخ اهالی و واسط و کوفه و قزوین و غیره.

سوم

مجلسی دوم (م ۱۱۱۰/۱۱ هـ) - دارای چنین رساله‌ای بود که مجموعه‌ای بسیار نفیس و گرانقدر جلوه کرد و وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ هـ.ق) در تقریر از این پاسخها رساله‌ای تألیف نمود.

رساله‌های شیخ الطائفة محمد بن الحسن طوسی (م. ۴۰۰ هـ.ق) در پاسخ اهالی ری، حلب، قم و امثال اینها و به سئوالهای جنبلاتیبه (محتوی ۲۶ پرسش) و حاکمیه مل بر ۳۰۰ پرسش).

رساله شیخ حسین ظهیری عاملی، استاد شیخ حر عاملی. (۸)

رساله شیخ محمد شیروانی (م ۱۰۹۸ هـ).  
فاضل هندی (م ۱۱۳۷ هـ) - رساله‌ای دارد به نام «جوابات المسائل».

رساله علامه حلی (م ۷۲۶ هـ) به نام مهنائیه، در سئوالات سیدمهنّا حسینی مدنی.

رساله پرسش و پاسخ مرحوم فخرالمحققین (م ۷۷۱ هـ)

رساله شهید اول (م ۷۸۶ هـ.ق) در پاسخ شاگردش حسن اطراوی عاملی که در قریه اطراء در جبل عامل او مطرح کرد و وی پاسخ داد. رساله‌های شهید ثانی (م ۹۶۵ هـ.ق) در پاسخ به سئوالات اهالی خراسان، نجف، شام و پرسشهای شیخ احمد عاملی و شیخ دین شامی. (۹)

رساله سیدحسین معروف به مجتهد کرکی (م ۱۰۰۱ هـ) در پاسخ پرسش‌های شیخ احمد عاملی و شیخ دین شامی. (۹)

رساله سید علی طباطبایی صاحب ریاض (م ۱۲۳۱ هـ) که نسخه آن در کتابخانه سامراء وجود دارد این رساله فارسی است و در ضمن ۱۰۰۰ بیت شعر تنظیم شده است. رساله‌های میرزای قمی (۱۱۵۱ - ۱۲۳۱ هـ.ق) که یکی شامل پاره‌ای از مسائل عبادات و معاملات است و

سیدحسین معروف به مجتهد کرکی (م ۱۰۰۱ هـ) در پاسخ پرسش‌های شیخ احمد عاملی و شیخ دین شامی. (۹)

این فهد حلی (م ۸۴۱ هـ.ق) رساله‌ای از این باب

دیگری شامل همه ابواب فقه به نام «جامع الشتات» رساله اخیر وی از بهترین کتابهای فقهی است که سایر رسالههای سؤال و جواب را تحت الشعاع خود قرار داده است. و در سال ۱۲۳۴ در تهران به صورت چاپ سنگی نشر گردیده است. رساله آقا میرزا رفیع‌الدین طباطبائی نائینی (م ۱۰۹۹ هـ. ق) که شاگردش سید محمد مشهدی عهددار تنظیم آن بوده است.

سید عبدالله جزایری (م ۱۱۷۳ هـ) رساله‌های به عنوان «الذخیره الابدیه فی جواب المسائل الاحمدیه» نوشته است که در پاسخ چهل سؤال سید احمد حویزی است

رساله سید محمد حسین قزوینی (م ۱۲۰۸ ق) استاد سید مهدی طباطبائی بحر العلوم رساله شیخ اسدالله دزفولی کاظمی (م ۱۲۳۷ هـ. ق) که نسخه آن در نزد نوه‌های او در کاظمین که معروف به آل اسدالله می‌باشند موجود است. رساله شیخ عبدعلی بحرانی برادر شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق. رساله سید عبدالعظیم حسینی لنجانی اصفهانی مؤلف کتاب الضیاء اللامع.

رساله «جامع المسائل» سید محمد مجاهد (م ۱۲۴۲ هـ. ق) صاحب کتاب «المناهل» و استاد شیخ اعظم انصاری. نسخه آن در کتابخانه تهرانی در سامراه و نزد شیخ مهدی شرف‌الدین می‌باشد.

رساله میرزا محمد رضوی (م ۱۲۶۴ ق) رساله سیدحسن اصفهانی (م ۱۲۷۳ هـ. ق) - استاد سیدمجدد شیرازی.

رساله سیدمحمد تقوی (م ۱۲۸۴ ق) رساله سیدمحمد تقی نقوی نصیرآبادی (م ۱۲۸۵ هـ. ق)

رساله شیخ جعفر کبیر کاشف‌الغطاء (م ۱۲۲۷ هـ - ق) رساله شیخ محمد ابراهیم کلیبسی اصفهانی (م ۱۲۶۱ هـ. ق) مؤلف کتاب نخبه، نسخه آن در کتابخانه مرحوم حاج سیدحسین خادمی در اصفهان می‌باشد و در سال ۱۲۵۷ نوشته شده است.

رساله میرزا محمد رضوی مشهدی (م ۱۲۶۴ هـ. ق) رساله سیدحسن اصفهانی (م ۱۲۷۳) - استاد سیدمجدد شیرازی

رساله «جامع الشتات» سیدابوطالب قائینی (م ۱۲۹۵ هـ. ق) رساله مولی محمدتقی هروی اصفهانی (م ۱۲۹۹

ق) - این رساله به فارسی و عربی تنظیم و مسائل و زکوه را در بردارد.  
\* رساله مجمع‌المسائل میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی (م ۱۲۹۲ ق)  
\* رساله سیدحسن اصفهانی (م ۱۲۷۳ ق)  
رساله شیخ محمدعلی شیرازی (م ۱۲۸۴ هـ. ق) جمع‌آوری شاگردش شیخ عبدالحمید استرآبادی آنرا جمع‌آوری

■ دوره پنجم

رساله شیخ اعظم انصاری (۱۲۸۱ ق) - این رساله مرحوم ملایوسف استرآبادی جمع‌آوری کرد و در سال ۱۳۱۸ (ق) و پس از آن مکرراً چاپ شده. رساله‌های میرزا محمدتقی اصفهانی (۱۲۹۹) در مسائل روزه و زکوة و غیره به زبان‌های فارسی و عربی در کتاب نهایی‌الامال از آنها نام می‌برد.

رساله میرزای مجدد شیرازی (م ۱۳۱۲ هـ) پاسخ به ۶۰ مسأله. این رساله را شاگردش شهید آقا شیخ فضل‌الله نوری (م ۱۳۲۷ هـ. ق) جمع‌آوری کرد سال (۱۳۰۶) در تهران به چاپ رساند و نیز در بعضی مسائل دیگری که به آن الحاق شد چاپ گردید. مرحوم تهرانی می‌گوید، میرزای شیرازی ر

دیگری هم دارد که مفصلتر از رساله قبلی است و به فارسی نوشته شده است. و در شهر تبریز به چاپ رسیده است. (۹)

رساله آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ ق) به «ذخیره‌المعاد لیوم‌المعاد»

رساله «مقام‌الفضل»: آقا محمدعلی کرمانشاهی رساله شیخ علی مهری بحرینی (م ۱۳۱۸ ق) - محمدتقی شیرازی این رساله را تحشیه نموده است. رساله سیدعلی رضوی حائری لاهوری.

رساله محمدعلی هزارجریبی - این رساله به «جوابات‌المسائل» نامیده شده است.

رساله مولی آقا خویینی قزوینی (۱۲۴۷- ق) - که در نزد فرزندش میرزا حسین قزوینی بوده است سیدعلی رضوی لاهوری دارای رساله‌ای به این بود و به سال ۱۳۱۵ چاپ شده است.

رساله سید ابوتراب خوانساری (م ۱۳۴۶ هـ) تمامی ابواب فقه.

رساله شیخ زین‌العابدین مازندرانی (م ۳۰۸/۹) که به نام ذخیره‌المعاد فی تکالیف‌المعاد. که با حواشی اسماعیل صدر و میرزا محمدتقی شیرازی و طباطبائی تهران و هند و مشهد چاپ شد و علامه تهرانی در آن می‌گوید:

■ دوره ششم

رسالة ذخيرة العباد ليوم المعاد ميرزا محمد تقی شیرازی (م ۱۳۳۸ هـ).

رسالة سيد محمد كاظم يزدی (م ۱۳۳۷ هـ) شامل همه ابواب فقه از طهارت تا ديات كه بیشتر مسائل در آن به صورت استدلالی بیان شده است. جلد اول آن بچاپ رسیده ولی جلد دوم آن گویا مفقود شده است. مسئول جمع‌آوری و تنظیم کتاب آیةالله شیخ عسلی اکبر خوانساری (م ۱۳۵۹ هـ) بوده است که در سال ۱۳۴۰ جلد اول آن را تا کتاب نکاح به چاپ رسانید.

رسالة دیگر مرحوم یزدی در پاسخ سوالات اهالی رشت.

رساله‌ای به عنوان سوال و جواب اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء (م ۱۳۷۳ هـ ق) - که در نجف (بسال ۱۳۴۷ ق) چاپ شده است.

علاوه بر اینها بیشتر مراجع و فقه‌های زمان ما نیز دارای چنین رساله‌هایی می‌باشند که در پاسخ مقلدین خود به رشته تحریر کشیده‌اند.

این رساله مکرراً چاپ شده و در جلد ۲۲، ص ۲۶۳ به دیگر ایشان در مسائل حج اشاره می‌کند و می‌گوید ش حاج شیخ حسین آن را تحشیه نموده است.

ساله آقا حسین نجم‌آبادی (م ۱۳۴۷ هـ ق) - که بی آقا حسن آنرا جمع کرد. این رساله همه ابواب فقه، زت تا دیات را دربر دارد.

ساله میرزا محمد جواد دارابی شیرازی متولد ۱ ق) - که به سال (۱۳۴۲ ق) چاپ شد.

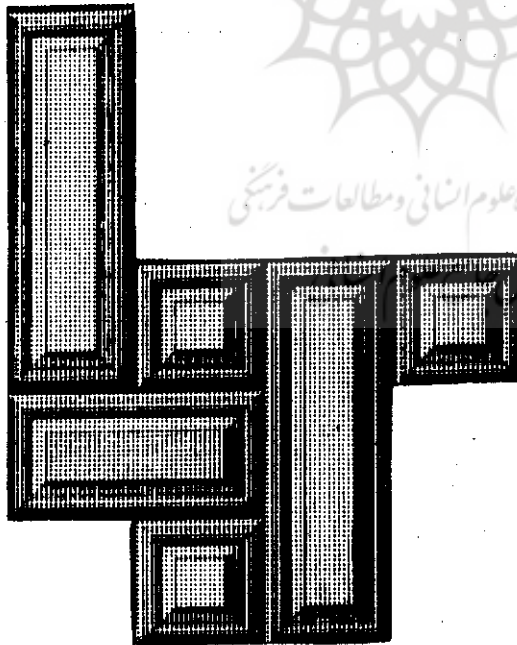
ساله سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ هـ) مؤلف کتاب الشیعه الملوک الاسلام، این رساله را به نام «الرسائل بالمسائل» می‌باشد.

ساله سید علی مبهدی (۱۳۱۳ هـ) - این رساله نزد سید محمد مبهدی حسینی موجود است.

ساله شیخ محمد علی مهری بحرینی (م ۱۳۱۸ هـ) - اهرزادهاش آنرا جمع‌آوری کرد. و میرزا محمد تقی ی بر آن حاشیه نوشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



- ۳۸ ج ۱۵، ص ۰۳۸
- ۲۷۳ ج ۲۲، ص ۰۲۷۳
- ۱۶ ج ۰۱، ص ۰۱۶
- ۳۷ ج ۱۵، ص ۰۳۷
- ۲۲ ج ۰۲، ص ۰۲۲
- ۲۹۵ ات‌الجنات، ص ۰۲۹۵
- ۲۴۲ ج ۱۲، ص ۰۲۴۲
- ۸۹ ج ۰۲، ص ۰۸۹
- ۲۴۸ ج ۱۲، ص ۰۲۴۸